

سیاست رقابتی و قانون رقابت؛ سازگاری و پیش‌شرط‌های اجرای موثر آنها

نویسنده: دکتر شمس‌الدین حسینی

بخش اول

مقدمه:

مجوزها، همگی منجر به تحدید رقابت در بازار می‌شوند، و لذا مورد توجه سیاست‌های رقابتی قرار دارند. البته اجرای سیاست‌های رقابتی به معنای آزادسازی بی‌حد و حصر فعالیت‌های اقتصادی نیست، بلکه در راستای اجرای این سیاست‌ها باید چارچوبی وجود داشته باشد که بر اساس آن مقررات زدایی از صنایع و آزادسازی آنها صورت پذیرد. این چارچوب در اصطلاح، "قانون رقابت" خوانده می‌شود و متضمن شرایطی است که طبق آن درجه آزادی عمل بنگاه‌های اقتصادی و محدوده غیرمجاز فعالیت‌های آنان تعیین می‌شود.

۱-۲) ابزارهای سیاست رقابتی ۱-۲-۱) قانون رقابت

یکی از مهمترین ابزارهای سیاست رقابتی، برای تقویت رقابت بازارها، "قانون رقابت" می‌باشد که عبارت است از مجموعه‌ای از مقررات که در راستای حداکثر ساختن منافع اجتماعی و ممانعت از رویه‌های ضدرقابتی در اقتصاد تدوین می‌شود.^(۳) وظیفه اصلی این قانون ممانعت از عملکردهای تجاری محدودکننده بخش خصوصی و برخی سیاست‌های عمومی (مانع تحرک و بکارگیری عوامل کمیاب اقتصادی از کاربردهای کم‌بازده به پربازده) است. در جدول (۱) مجموعه‌ای از رویه‌های ضد رقابتی در قانون رقابت از منظر آنکنتاد (۲۰۰۲) ارایه شده است.

باید توجه داشت که قانون رقابت هدف خود را بر کنترل اندازه بنگاه قرار نمی‌دهد، اما در خصوص هر گونه عملکرد متناظر با اختلال در فرآیند رقابت و تخصیص ناکارآمد منابع ایستادگی می‌کند تا بدین واسطه اهداف نهایی حاصل شود. ضرورت اجرای قانون رقابت از آنجاست که رفتارهای

با این دید، مقاله حاضر با هدف بررسی سیاست رقابتی و ابزارهای مختلف آن (قانون رقابت، خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، آزادسازی و ...) ابتدا به تعیین ارتباط میان این ابزارها پرداخته و در ادامه پس از بررسی تاثیر قانون رقابت بر کارایی (ایستا و پویا) و توسعه اقتصادی، پیش‌شرط‌های موثر بر اجرای قانون رقابت در کشورهای در حال توسعه را معرفی می‌کند.

خصوصی‌سازی از دیگر ابزارهای سیاست رقابتی است که طی آن درجه تصدیگری و مدیریت دولتی کاهش یافته و واگذاری به بخش خصوصی صورت می‌پذیرد.

۱) سیاست رقابتی^(۲) و ابزارهای آن ۱-۱) سیاست رقابتی

سیاست رقابتی مجموعه‌ای از حمایت‌های رقابتی است که رویکرد خود را حذف عملکردهای ضدرقابتی بخش خصوصی و دولتی قرار داده و در این خصوص از ابزارهایی بهره می‌گیرد که رقابت را در بازار تحت تاثیر قرار می‌دهند. هدف از اجرای این سیاست، افزایش آزادی انتخاب مصرف‌کنندگان، آزادی تجارت بنگاه‌ها و دسترسی آنها به بازار است. به‌عنوان مثال مواردی همچون موانع تجاری، موانع ورود سرمایه‌گذاری خارجی و الزامات مرتبط با

گرایش قابل توجه اقتصادهای در حال توسعه به قانون رقابت^(۱) در دو دهه اخیر، مبین تغییرات اساسی در وضعیت اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی جهان است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، برنامه‌هایی در جهت اعمال "اصلاحات خرد" در پیش گرفته‌اند؛ به این دلیل که اقتصادهای بازاری و نیروهای آن بهتر از اقتصادهای با سیستم متمرکز می‌توانند به توسعه اقتصادی - اجتماعی دست یابند. البته منافع بالقوه ناشی از اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، زمانی تحقق می‌یابد که از عملکردهای ضدرقابتی و یا محدودکننده بنگاه‌ها جلوگیری شود، که این خود در سایه اعمال سیاست‌هایی در جهت حمایت از رقابت و گسترش آن میسر می‌شود. این سیاست‌ها نه فقط در بخش خصوصی، بلکه در بخش عمومی که به طور سنتی اداره برخی تسهیلات همگانی برخوردار از ویژگی‌های انحصارات طبیعی را برعهده دارد، حایز اهمیت است. سیاست‌های مزبور تضمین‌کننده آن هستند که منافع رقابت به ارتقای رقابت‌مندی بنگاه‌ها و صنایع کشور (به‌هنگام مواجهه با اقتصاد جهانی) کمک کند. رقابت در بازار محصولات و نهاده‌ها منجر به افزایش قدرت انتخاب، کاهش قیمت، نوآوری، افزایش کارایی و به تبع آن رشد و توسعه بالاتر اقتصاد ملی می‌شود. البته اعمال سیاست‌های مربوطه که در برخی بخش‌ها به معنای مقررات زدایی و آزادی عمل بیشتر، و در برخی بخش‌ها مبین وضع مقررات و تحدید فعالیت‌ها است، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، و در مسیر هر یک از این دو فرآیند، موانع و مشکلاتی وجود دارد.

انحصاری در صنعت از یک سو به مصرف کننده و از سوی دیگر به بنگاه‌های متقاضی زبان می‌رسانند، و اگر این بنگاه‌ها در بخش صادرات مشغول به فعالیت باشند، بر منافع ارزی کشور هم اثر منفی دارد. بدین ترتیب واردات نیز تحت تاثیر قرار گرفته و این موج به نحو قابل توجهی از طریق قیمت و دسترسی به منابع، خود را نشان می‌دهد. در جدول (۲) اهداف قانون رقابت کشور آفریقای جنوبی ارایه شده است.

۳-۲-۱) فعالیتهای حامی رقابت (۴)

ابزار دیگر سیاست رقابتی "فعالیت‌های حامی رقابت" است و بیشتر هنگامی اجرا می‌شود که عملکردهای ضد رقابتی از سوی دولت صورت گرفته باشد. این قبیل فعالیت‌ها طبق گزارش ارایه شده به "شبکه رقابت بین‌المللی" (۵) چنین تعریف می‌شود: "فعالیت‌های حامی رقابت اشاره به آن دسته از فعالیت‌ها دارد که از طریق مقامات رقابتی در جهت ارتقای فضای رقابتی به انجام می‌رسد. برخی مثال‌ها در خصوص فعالیت‌های حامی رقابت شامل فعالیت‌های مبتنی بر آموزش عمومی، تحقیق و توسعه و ... است. این فعالیت‌ها از طریق سازوکارهای غیر اجباری (۶) - ارتباط مقامات رقابتی با سایر آژانس‌های دولتی - و همچنین افزایش آگاهی عمومی در خصوص منافع رقابت به‌انجام می‌رسد." (۷)

۳-۲-۱) آزادسازی تجاری

آزادسازی عبارت است از حذف مداخله دولت در بازارهای مالی، بازار سرمایه و رفع موانع تجاری. به‌طور خاص این سیاست مشتمل بر کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف بیشتر موانع مقداری بر صادرات و واردات بوده و به تولیدکنندگان امکان می‌دهد تا افق مقابل خود را تا سطح بازار جهانی گسترش دهند، از فرصت‌های جدید صادراتی بهره بگیرند و با افزایش سطح تولید و کاهش هزینه‌های خود از صرفه‌های مقیاس بهره‌مند شوند. از آنجاکه در بازارهای جهانی

رقابت شدید است، با اعمال این سیاست بنگاه‌ها ناچار خواهند شد تا از روش‌های کارا تر بهره بگیرند، در نتیجه قیمت محصول کاهش می‌یابد و کیفیت محصول بهتر می‌شود.

بدین ترتیب گفته می‌شود که سیاست آزادسازی تجاری قادر است ساختار بازاری مناسبی را برای صنایع رقابتی فراهم آورد و از رفتارهای انحصارطلبانه تا حدی جلوگیری کند. اما در عین حال باید توجه داشت که آزادسازی تجاری به تنهایی برای حفظ سطح بهینه رقابت در کلیه سطوح اقتصادی کافی نیست، زیرا صرف برخورداری از سیاست

از مهمترین ابزارهای سیاست رقابتی برای تقویت رقابت بازاری "قانون رقابت" می‌باشد که مجموعه‌ای از مقررات را که در راستای حداکثر ساختن منافع اجتماعی و ممانعت از رویه‌های ضد رقابتی در اقتصاد تدوین می‌شود، در بر می‌گیرد.

آزادسازی تجاری بدون وجود قانون رقابت، باعث می‌شود که تعدادی از موانع تجاری همچنان باقی بماند و حتی به‌خاطر کاهش موانع تعرفه‌ای و موانع مقداری بر صادرات و واردات، موانع تجاری جدیدی نیز در بازار پدید آید. به‌عنوان مثال، می‌توان به مشکل "دامپینگ" (۸) اشاره کرد، که در طول زمان همواره، به‌عنوان مشکلی برای کشورهای وارد کننده به‌شمار رفته است، و مشکل بزرگتر ناشی از آن، هنگامی آغاز می‌شود که در واکنش نسبت به این پدیده، بنگاه‌های داخلی و حتی خارجی فعال در داخل، با هم تبانی کرده و به اعمال رفتارهای ضد رقابتی اقدام کنند. پس بنابه نظر بسیاری از اقتصاددانان در کنار آزادسازی تجاری به

وجود "قانون ضد دامپینگ" (۹) احتیاج است. به‌عبارت دیگر سیاست آزادسازی اقتصادی و تجاری در بیشتر موارد به‌تنهایی کافی نبوده، و در کنار آن به اقداماتی در جهت ممانعت از رفتارهای غیر رقابتی احتیاج است. اهمیت وجود این اقدامات در کنار سیاست آزادسازی از آنجاست که به‌مجرد اجرای سیاست‌های آزادسازی، بنگاه‌ها می‌توانند مقیاس عملکرد خود را گسترش دهند و با اعمال رویه‌های ضد رقابتی، موانع ضد رقابتی خصوصی (۱۰) به راحتی جایگزین موانع تجاری دولتی شوند؛ لذا در کنار سیاست آزادسازی به قانون رقابت نیاز است (۱۱). از سویی نیاز به برخورداری از قانون رقابت در قبال پدیده جهانی شدن و تغییرات ناشی از آن در سطح تجارت بین‌المللی (به‌ویژه به دلیل ادغام گسترده بین مرزی پس از دهه ۱۹۹۰ در کشورها) نیز طی زمان در حال افزایش است (۱۲). این پدیده اثرات شدید خود را بیشتر بر کشورهای در حال توسعه نشان داده است، چرا که قدرت انحصاری شرکت‌های عظیم بین‌المللی (که خواه مستقل عمل می‌کنند یا با اعمال تبانی) در رابطه با این گونه شرکت‌ها و قدرت آنها به‌هنگام ظهور در عرصه بین‌المللی بسیار زیاد است. در جدول (۳) نقش موثر مقررات تنظیمی و قانون رقابت در کنار سیاست‌های آزادسازی، بر رشد اقتصادی نشان داده شده است.

۴-۲-۱) خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی از دیگر ابزارهای سیاست رقابتی است که طی آن درجه تصدیگری و مدیریت دولتی کاهش یافته و واگذاری به بخش خصوصی صورت می‌پذیرد. در ارتباط با اعمال این سیاست نیز ضرورت قانون رقابت به خوبی احساس می‌شود، به‌عبارتی منافع ناشی از خصوصی‌سازی هنگامی قابل تحقق است که در کنار آن قانون رقابت وجود داشته و چارچوب‌های تنظیمی اقتصاد به نحو مناسبی تعبیه شده باشند، در غیر این صورت موانع خصوصی ممکن است به‌سادگی جایگزین موانع دولتی مقابل

تجارت شود و بدین ترتیب امکان افزایش رفاه اجتماعی از بین برود. به بیان دیگر نمی‌توان گفت که خصوصی‌سازی به طور حتم منجر به دستیابی به سطح بالاتر رقابت می‌شود. این مساله به خصوص در کشورهای در حال توسعه که در آنها تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط بواسطه وجود چند قدرت بازاری بزرگ کنار گذاشته شده‌اند و در نهایت بازار از طریق قراردادهای دوجانبه به تصرف چند شرکت بزرگ درآمده‌اند، قابل مشاهده است. در چنین حالتی اگر هیچ‌گونه قیدی در رابطه با عملکردهای تجاری غیرمنصفانه برخی بنگاه‌ها وجود نداشته باشد، آنگاه شرکت‌ها قادر نخواهند بود از فرصت‌های رقابتی بهره بگیرند و بدین ترتیب رفاه اقتصادی نیز کاهش می‌یابد.

البته باید توجه داشت که خصوصی‌سازی قبل از اینکه زیربنای قانونی کار فراهم شده باشد، به جای آنکه سرمایه‌گذاری مجدد در آینده کشور را تشویق کند، زمینه خرد کردن دارایی‌ها را ایجاد می‌کند. به عبارتی فقدان چارچوب‌های رقابتی مناسب (قانون رقابت) در هنگام خصوصی‌سازی باعث می‌شود که نتایج دلخواه حاصل نشود، زیرا برای خوب کار کردن بازارها، علاوه بر "مالکیت خصوصی" به "فضایی رقابتی" احتیاج است. بدون وجود فضایی رقابتی که در نتیجه اعمال سیاست‌های رقابتی و قانون رقابت قابل دسترسی است، بنگاه‌های خصوصی به

تاسیس انحصارات و کارتل‌ها اقدام کرده، سود خود را (به دلیل فقدان قوانین ضدانحصار) بالا می‌برند. سودهای حاصله، به‌ویژه آنهایی که مایل به توسل به روش‌های مافیایی برای تسلط بر بازارند و یا گرایش به تبانی دارند، را به هوس می‌اندازد. به عبارتی پیش از انجام خصوصی‌سازی به قانون رقابت مناسب احتیاج است.

**سیاست آزادسازی تجاری
قادر است ساختار بازاری
مناسبی را برای صنایع
رقابتی فراهم آورد و از
رفتارهای انحصارطلبانه
تاحدی جلوگیری کند.**

**۲) ارتباط میان سیاست رقابتی،
قانون رقابت و عملکرد بلندمدت
اقتصاد**

**۱-۲) ارتباط میان سیاست رقابتی،
قانون رقابت و سیاست‌های اقتصادی
دولت (تضادها و معافیت‌ها)**

هرچند فشارهای رقابتی باعث می‌شود که بنگاه کارا تر عمل کرده و قیمت‌های پایین‌تری را وضع کند، اما این مساله باعث

نمی‌شود که سیاست‌گذاری دولت‌ها در تمامی موارد مبتنی بر جهت‌گیری‌های قانون رقابت باشد، زیرا در بسیاری موارد قوانین رقابت مبتنی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها هستند، که نه به راحتی قابل کمی شدن و نه قابل تبدیل به یک هدف مشخص اقتصادی می‌باشند. در جدول (۴) اهداف قانون رقابت در برخی کشورهای منتخب ارائه شده است.

گاه میان برخی سیاست‌های اقتصادی دولت و سیاست رقابتی تضاد به وجود می‌آید. کنترل واردات یا اعمال محدودیت در زمینه سرمایه‌گذاری به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی و جلوگیری از ورود بنگاه‌های جدید و سرمایه‌گذاران خارجی از جمله این تضادها است. در رویارویی با این موارد، اعمال معافیت‌های مناسب^(۱۴) در شرایط بروز تضاد اهمیت می‌یابد. در بسیاری از کشورها برخی صنایع و بخش‌ها را مشمول معافیت می‌کنند، یا آنکه این امکان را در شرایط خاص برای آنها قایل می‌شوند.^(۱۵) به این ترتیب همسویی میان سیاست‌های دولتی و اهداف قانون رقابت تا حد ممکن تأمین می‌شود. جداول (۵) و (۶) به ترتیب موارد معافیت در قانون رقابت برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را نشان می‌دهد.

شایان ذکر است که در اعمال معافیت‌ها باید نسبت به هرگونه سواستفاده واحدهای تولیدی مشمول معافیت از قانون رقابت، توجه کافی داشت.

جدول شماره یک

برخی از رویه‌های ضد رقابتی در قانون رقابت

آنکتاد (۲۰۰۲) مجموعه‌ای از رویه‌های ضد رقابتی مورد نظر قانون رقابت را به صورت زیر بر می‌شمارد:

هرگونه توافق میان بنگاه‌ها در یک بازار مشترک که منجر به محدود شدن رقابت شود، هرگونه تلاش از سوی یک بنگاه بزرگ در جهت سو استفاده از موقعیت بازاری خود، هرگونه تلاش از سوی چندین بنگاه با عملکرد دستجمعی در جهت سو استفاده از قدرت بازاری (حتی بدون وجود هیچ‌گونه قرارداد صریح بین آنها)، هرگونه تلاش از سوی یک یا چند بنگاه در جهت بیرون راندن رقیب از بازار (مثلاً از طریق قیمت‌گذاری تهاجمی)، هرگونه همدستی بین بنگاه‌ها در جهت تحقیق، توسعه، آزمایش، بازاریابی و توزیع محصولات (به منظور سو استفاده از موقعیت بازاری).

UNCTAD, Closer Multilateral Cooperation on Competition Policy (2002).

جدول شماره دو

برخی از رویه‌های ضد رقابتی در قانون رقابت

در طول صدسال اخیر که قانون رقابت در بسیاری از کشورها تدوین و اجرا شده است، اهداف گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده که ابعاد مختلف را دربر می‌گیرد. به‌طور مثال قانون رقابت سال ۱۹۹۸ آفریقای جنوبی، اهداف زیر را برای قانون رقابت برمی‌شمارد:

- گسترش کارایی و توسعه اقتصاد.
- تامین قیمت‌های رقابتی و تنوع در انتخاب محصول برای مصرف‌کنندگان،
- گسترش اشتغال و افزایش رفاه اقتصادی مصرف‌کنندگان،
- افزایش فرصت برای افراد جهت ورود به بازارهای جهانی و تعیین نقش رقابت خارجی در کشور،
- تضمین برقراری فرصت‌های برابر برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد،
- افزایش دامنه مالکیت و ...

این اهداف چندگانه مبین آن است که:

"اصل بنیادین حاکم بر سیاست رقابتی و قانون رقابت کشور آفریقای جنوبی آن است که میان کارایی اقتصادی و برابری اقتصادی - اجتماعی توازن برقرار شود."

به عبارتی لزومی ندارد که جهت‌گیری سیاست‌های رقابتی و یا قانون رقابت تنها بر یک هدف خاص متمرکز باشد، بلکه ممکن است مجموعه‌ای از اهداف که به‌نحوی سازگاری میان آن‌ها برقرار شده باشد را نیز در برگیرد.

The Competition act of 1998, South Africa.

جدول شماره سه

اثر مقررات تنظیمی و قانون رقابت بر رشد اقتصادی

علاوه بر موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و همچنین محدودیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، قوانین و مقررات حاکم در بازار داخلی نیز می‌تواند با تأثیرگذاری بر قیمت‌های نسبی در داخل، روند جریان‌ات بین‌المللی کالاها و سرمایه‌گذاری را محدود کند. این مساله همچنین بر نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده (حتی هنگامی که قوانین ملی بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تبعیض قایل نشده باشند) نیز اثرگذار است. (Nicoletti et al., 2003). حذف چنین موانعی منجر می‌شود که رقابت تقویت شده و منافع ایستا و پویا حاصل شود. ماحصل این منافع نیز در نهایت افزایش درآمد ملی سرانه خواهد بود.

در این خصوص نتایج مطالعه اخیر OECD، نشان داده است که اگر تمامی موانع داخلی و خارجی تجاری موجود در کشورهای عضو در حداقل خود قرار می‌گرفت، آنگاه GDP سرانه این کشورها بین ۲ تا ۵ درصد افزایش می‌یافت. در این خصوص اصلاحات مربوط به بازار محصولات برخوردار از بیشترین تأثیر (۱/۷۵ تا ۳ درصد) بوده است، حال آنکه اصلاحات انجام شده در بازار خارجی (حذف تعرفه‌ها) ۰/۷۵ تا ۱ درصد و کاهش موانع مقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها ۰/۷۵ درصد تأثیرگذار بوده است. به‌طور مثال این ارقام در خصوص کشور ژاپن به‌صورت زیر بوده است:

تأثیرات ناشی از اصلاح مقررات تنظیمی (Regulatory Reforms): ۲/۴ درصد،

اثر کاهش تعرفه‌های دوجانبه: ۱/۳ درصد،

اثر کاهش موانع تجاری: ۰/۷ درصد.

جمع اثر اصلاحات صورت گرفته در بازار داخلی و خارجی بر GDP سرانه (منافع ایستا): ۴/۴ درصد
علاوه بر این موارد آزادسازی با تحریک R&D، نوآوری و پیشرفت‌های فنی می‌تواند باعث تحریک منافع پویا شود. محاسبه کمی منافع پویا همچنان به‌لحاظ کمی جای بحث دارد، ولی بررسی‌های تجربی نشان داده است که این منافع می‌تواند بسیار زیاد باشد.

منبع:

Khemani, D.R. (1996). The interface between competition and trade policies. In: Bora, B. and Pangestn, M. "Priority Issues in Trade and Investment Liberalization" Pacific Economic Cooperation Council Singapore.

جدول شماره چهار
هدف قانون رقابت در کشورهای مختلف

کشور	هدف قانون رقابت
کانادا	حفظ رقابت و تشویق آن با تاکید بر بهبود کارایی اقتصادی.
نیوزیلند	حفظ رقابت و تشویق آن با تاکید بر بهبود کارایی اقتصادی.
انگلستان	تاکید بر منافع عمومی (مفهوم گسترده تر رقابت).
ایالات متحده	تاکید بر رفاه مصرف کننده و کارایی اقتصادی (به هنگام تدوین قانون شرمین ^(۱۳) هم به حمایت از کسب و کارهای کوچک و اقتصادهای محلی تاکید می شد).
اتحادیه اروپا	همگرایی بازاری یا منطقه ای و ممانعت از تسلط بنگاه های بزرگ.
آلمان	حمایت از آزادی عمل افراد و آزادی اقتصادی.
کلمبیا (به عنوان یک اقتصاد باز کوچک)	کارایی اقتصادی.
اندونزی	عدالت اجتماعی، توزیع قدرت اقتصادی و حمایت از بنگاه کوچک و متوسط.
روسیه	عدالت اجتماعی، توزیع قدرت اقتصادی و حمایت از بنگاه کوچک و متوسط.

منبع: Bruisick, philippe etal (2004)

جدول شماره پنج
اهداف معافیت در برخی کشورهای در حال توسعه

کشور	هدف معافیت	بخش مشمول معافیت
الجزایر	افزایش کارایی	در هر بخش که امکان افزایش کارایی وجود داشته باشد.
برزیل	افزایش کارایی، رقابت مندی ملی و منافع اقتصادی	در هر بخش که امکان تحقق اهداف معافیت وجود داشته باشد.
کاستاریکا	افزایش کارایی	شرکت های دولتی
اندونزی	افزایش کارایی، دستیابی به استاندارد بالاتر و منافع عمومی	شرکت های دولتی، شرکت های R&D، شرکت های تعاونی، تنظیمات وزارتخانه ای، توافقات بین المللی
تایلند	افزایش کارایی	شرکت های دولتی، شرکت های تعاونی و تنظیمات وزارتخانه ای

منبع: Bruisick, philippe etal (2004)

جدول شماره شش
اهداف معافیت در برخی کشورهای توسعه یافته

کشور	هدف معافیت
کانادا	۱- چانه زنی های دسته جمعی (که به کارگران اجازه می دهد تشکیل اتحادیه دهند و یا آنکه پیرامون دستمزد و شرایط کار به مذاکره بپردازند) ۲- اتحادیه ماهیگیران که به مذاکره پیرامون شرایط خرید و فروش ماهی بپردازند، ۳- آژانس های مسافرتی (قیمت پروازهای داخلی)، ۴- بیمه، ۵- ورزش هایی که تشکیل تیم می دهند، ۶- R&D، و ...
اتحادیه اروپا	حمل و نقل، بیمه، کشاورزی، واحدهای اعطای مجوز به سیستم های کامپیوتری و توزیع وسایل نقلیه موتوری.
نیوزیلند	کشتیرانی بین المللی، شرایط دستمزد و کار، خرید مشترک، حقوق مالکیت معنوی، استانداردهای کالایی، کارتل های صادراتی، و موارد مشابه.
ژاپن	انحصارات طبیعی، صنایع زیربنایی (راه و راه آهن، برق، گاز و ...) و حقوق مالکیت معنوی، کشاورزی، کالاهای مصرفی تحت تنظیم سایر مقررات (کارتل های صادراتی و SME ها نیز به تازگی در دست اجرا هستند).
ایالات متحده	کشاورزی، انرژی، حمل و نقل، بیمه، روزنامه، حرفه متخصصان. ^(۱۴)

منبع: Bruisick, philippe etal (2004)

زیر نویس ها:

1) Competition Law.

2) Competition Policy.

۳) در این خصوص Hookman و Holmse (۱۹۹۹) قانون ملی رقابت را مجموعه‌ای از اصول و مقررات تعریف می‌کنند که به وسیله دولت در ارتباط با آن دسته از قراردادهای میان بنگاه‌ها که باعث محدود کردن رقابت می‌شود و یا آنکه (همراه با تلاش‌های به عمل آمده برای کسب موقعیت مسلط از طریق ایجاد کارتل) از یک موقعیت مسلط بازاری سو استفاده می‌کنند، وضع می‌شود.

4) Competition Advocacy Activities.

5) International Competition Network (ICN).

مسئولیت اصلی ICN تامین شبکه‌ای متمرکز از مضامین سیاستی در خصوص عملکردهای ضد تراستی است که در اختیار آژانس‌های ضد تراستی کلیه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته قرار می‌گیرد. این شبکه تسهیل کننده همگرایی در عملکردهای ضد تراستی است و به واسطه آن عملکردهای ضد تراستی در جهان با کارایی بیشتری مواجه خواهد بود. این مساله بدان روی است که در نتیجه عملکرد بین المللی این سازمان، اجرای سیاست‌های ضد تراستی در کشورها با سازگاری بیشتری همراه است و از تکرار بسیاری از عملکردهای غیر ضروری در این خصوص ممانعت بعمل می‌آید. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: <http://www.International Competition network.org>.

6) Non-enforcement Mechanisms.

7) ICN(2002).

8) Dumping.

9) Anti-dumping Law.

10) Anti-competitive Private Barriers.

11) Carnet and Holmes (2004), pp 4-6.

12) UNCTAD (2002).

13) Sherman Act.

۱۴) هدف از اعمال معافیت در برخی بخش‌ها عبارت است از: ۱- ایجاد توازن در قدرت‌های اقتصادی نابرابر، ۲- هدایت اطلاعات در جهت کاهش هزینه‌های مبادلاتی و بهبود عملکرد دستجمعی (با کاهش سواری مجانی)، ۳- کاهش ریسک و نااطمینانی، و ۴- کمک به بخش‌های خاص (همچون انرژی، کشتیرانی، ...).

۱۵) بنابر مطالعه‌ای که طی سال ۲۰۰۲ از سوی بانک جهانی در زمینه اجرای موثر قانون رقابت در کشورهای مختلف به انجام رسیده است، مشخص شد که کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه، تا ۴۰ درصد عملکرد کاراتری داشته‌اند؛ حال آنکه درصد معافیت‌های اعمال شده در قانون رقابت این کشورها بسیار بیشتر از موارد مشابه در قانون رقابت کشورهای در حال توسعه بوده است. به عبارت دیگر، اعمال معافیت‌های بجا و مناسب، منجر به افزایش کارایی قانون رقابت می‌شود.

16) Learned Professions



تسلیت

بسمه تعالی

جناب آقای فرهاد عدل امینی

مدیر محترم امور مالی اتاق ایران

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همشیره گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان علو درجات و برای خانواده و سایر بازماندگان محترم صبر جمیل مسالت می‌نمایم.

روابط عمومی و انتشارات اتاق ایران